

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۱۲ فیروزی ۲۰۲۵

ایلان ماسک واقعاً کیست؟



در ۱۵۰ سال گذشته، تصویری که از طبقه سرمایه‌دار ارائه می‌شود، بیش از پیش برای آن‌ها اهمیت یافته است. با افزایش سطح سواد کارگران و اعطای حق رأی به آن‌ها، طبقه حاکم نیاز داشت تصویری از خود بسازد که بتواند به کارگران عرضه کند.

سرمایه‌داران می‌خواهند طبقه کارگر به قهرمان‌بودن، خیرخواهی و نوآوری ذاتی آن‌ها باور داشته باشد. آن‌ها با این تصویرسازی، تلاش می‌کنند تا در ذهن کارگران، بردگی آن‌ها را از طریق نظام دستمزد، برای سرمایه مشروع جلوه دهند.

در گذشته، طبقه حاکم بیشتر رفتاری اشرافی داشت؛ از کارگران فاصله می‌گرفت، اما خود را با دینداری شدید و تبلیغ «کارهای خیر» متمایز می‌کرد. با این حال، در قرن بیستم و تحت تأثیر گسترش ایده‌های برابری‌طلبانه که به دنبال پیروزی‌های سوسیالیسم شتاب گرفت، طبقه حاکم امریکا احساس کرد که باید این تصویر را تغییر دهد تا «قابل‌درک‌تر» باشد.

از منظر نظام تبلیغاتی امریکا، این تغییر منطقی بود. یکی از ارکان اصلی ایدئولوژی بورژوازی در امریکا، این باور است که هر کارگری می‌تواند با تلاش سخت، خود را به طبقه حاکم برساند. اگرچه سرمایه‌داران امروز ثروتمندتر از

همیشه‌اند، اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد، برخی از آن‌ها کوشیده‌اند تصویری «یاغی» از خود بسازند؛ گوئی که در تقابل با «سیستمی» قرار دارند که آن‌ها را به حاشیه رانده است.

چهره‌هایی مانند ریچارد برانسون، بیل گیتس و (در عصر توئیتر) ایلان ماسک از جمله این افراد هستند. نکته جالب این است که این نام‌های معروف، خلاف سرمایه‌دارانی که ثروت خود را به ارث برده‌اند و کمتر در رسانه‌ها دیده می‌شوند، کسانی هستند که در طول زندگی خود به سطح «ابرثروتمندان» رسیده‌اند.

ماسک و دیگران؛ نه از فقر، بلکه از رفاه

ماسک و همقطارانش از فقر برنخاستند، بلکه در خانواده‌های مرفه به دنیا آمدند. هرچند که موقعیت اولیه آن‌ها در طبقه سرمایه‌دار چندان بالا نبود، اما توانستند در رقابت‌های اقتصادی، در حوزه‌هایی جدید (مانند کمپیوترهای شخصی برای بیل گیتس، خرید آنلاین برای جف بزوس و ...) پیروز شوند و به جمع انحصارگران برتر راه یابند.

در طول دوران حرفه‌ئی خود، ایلان ماسک نشان داده که در خودنمائی و تبلیغ شخصی مهارت دارد. او به دقت تصویری از خود ساخته که بیشتر به دانشمند و ماجراجو شباهت دارد تا یک تاجر. در واقع، ماسک اغلب انباشت ثروت خود را این‌گونه توجیه می‌کند که هدفش از این ثروت‌اندوزی، پیشبرد نوآوری در زمینه اکتشافات فضائی و امکان‌پذیر ساختن تسخیر سیارات دیگر توسط بشر است.

اما ورای این تصویر، موقعیت واقعی ماسک فردی است که ثروتش بشدت وابسته به حمایت‌های دولت، به‌ویژه وزارت دفاع امریکا، است. او بخشی جدائی‌ناپذیر از ماشین جنگی امپریالیستی ایالات متحده محسوب می‌شود. سیاست‌های به اصطلاح «لیبرتارین»، اظهارات جنجالی در توئیتر و ژست‌های «یاغی‌گرایانه» او، چیزی جز نقابی نیست که پشت آن، سودهای کلان حاصل از امپریالیسم خون‌ریز و رو به زوال، به جیبش سرازیر می‌شود.

از فقر به ثروت بی‌کران؟

چگونه می‌توان «ثروتمندترین فرد جهان» شد؟ آیا این مسأله به تلاش، پشتکار و نگرش مثبت بستگی دارد؟ یا این‌که تولد در یک خانواده سرمایه‌دار، عنصر کلیدی در دستیابی به ثروت هنگفت است؟ در مورد کسی که او را «ثروتمندترین فرد جهان» می‌نامند، به‌وضوح گزینه دوم صادق است.

بر اساس گزارشی از بلومبرگ نیوز، دارائی خالص ایلان ماسک حدود ۴۳۶ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. اما این ثروت نه از هیچ به دست آمده، نه از فساد. ماسک در خانواده‌ای نسبتاً مرفه متولد شد. پدر او، ارول ماسک، مالک نیمی از یک معدن زمر در زامبیا بود.

ایلان ماسک این موضوع را بارها انکار کرده و تلاش کرده است که پیشینه خود را بسیار فروتن‌تر از واقعیت جلوه دهد؛ ترفندی رایج در میان اعضای طبقه سرمایه‌دار که دوست دارند داستانی «از فقر به ثروت» برای خود بسازند. ماسک جوان، نخستین ثروت شخصی خود را در اواخر دهه ۱۹۹۰ به‌دست آورد، زمانی که بانک اینترنتی که او تأسیس کرده بود (با نام X) با شرکت دیگری (Confinity) ادغام شد و پی‌پل را شکل داد؛ سیستمی که امروزه به‌طور گسترده برای پرداخت‌های آنلاین استفاده می‌شود.

ماسک زمانی که پی‌پل به مبلغ ۱۷۶ میلیون دلار به‌ای‌بی فروخته شد، از آن خارج شد. این ثروت، امکان تأسیس شرکت خودروسازی تسلا و شرکت هوافضائی اسپیس‌ایکس را برای او فراهم کرد؛ شرکتی که اکنون با ناسا، در اجرای برنامه فضائی ایالات متحده همکاری می‌کند.

طبق گزارشی از نیویورک تایمز، ماسک حداقل ۱۵.۴ میلیارد دلار قرارداد با دولت فدرال دارد. دو قرارداد بزرگ او شامل ۳.۶ میلیارد دلار از وزارت دفاع و ۱۱.۸ میلیارد دلار از ناسا می‌شود، علاوه بر قراردادهای کوچک‌تری با وزارت امنیت داخلی. کاملاً مشخص است که او از جنگ‌های تجاوزکارانه‌ای که امپریالیسم امریکا به راه انداخته، سود هنگفتی به جیب می‌زند.

سیستم ماهواره‌ای استارلینک متعلق به اسپیس‌ایکس، به‌طور مستقیم در جنگ ناتو علیه روسیه نقش داشته و ارتش اوکراین برای ارتباطات میدان نبرد و دسترسی به اینترنت به آن وابسته است. ماسک که از نارضایتی بسیاری از امریکائی‌ها نسبت به جنگ اوکراین آگاه است، گهگاه نظرات انتقادی در این‌باره بیان می‌کند. اما بدون استارلینک، سیستم‌های ارتباطی ناتو در اوکراین (از جمله هدایت راکت‌ها) به‌شدت مختل می‌شد.

«آزادی بیان» و پوپولیسم

زمانی که ایلان ماسک در اکتوبر ۲۰۲۲ توئیتر را خرید، برای مدتی خود را به‌عنوان مدافع آزادی بیان نشان داد. اما این چیزی جز یک ترفند دیگر برای ساخت برند شخصی‌اش نبود. در واقع، او «مالک» این پلتفرم (که اکنون به «ایکس» تغییر نام داده) نیست، بلکه با در اختیار داشتن حدود ۱۰ درصد از سهام، بزرگترین سهامدار آن محسوب می‌شود.

خرید توئیتر توسط ماسک تا حدی از طریق وام ۱۳ میلیارد دلاری بانک‌های وال‌استریت تأمین شد. به همین دلیل، مدیریت جدید این شرکت بشدت تلاش کرده است تا از این پلتفرم درآمدزایی کند و آن را یک کسب‌وکار پایدار جلوه دهد. در غیر این صورت، اگر شرکت همچنان زیان‌ده باقی بماند، طلبکاران ممکن است اعتماد خود را از دست داده و به دنبال فروش بدهی‌هایشان باشند.

در ماه‌های اخیر، ماسک آشکارا موضعی سیاسی اتخاذ کرده و از کمپین انتخاباتی دونالد ترامپ حمایت مالی کرده است. او پیش‌تر از خاویر میلی، رئیس‌جمهور آنارکوکاپیتالیست ارجنتاین، حمایت کرده بود و اکنون از آلیس وایدل، رهبر حزب «آلترناتیو برای المان» (AfD)، در انتخابات فدرال آینده المان پشتیبانی می‌کند.

اما اقدامات سیاسی ماسک بیشتر به دفاع از منافع تجاری‌اش مربوط می‌شود تا پذیرش «ترمیپسم»، که پدیده‌ای عامدانه سیال و متغیر است. این موضوع زمانی به‌وضوح آشکار شد که ماسک درگیر اختلافی با حامیان ترامپ درباره ویزای H1B در امریکا شد.

برنامه ویزای H1B به ایالات متحده اجازه می‌دهد که نیروی کار ماهر خارجی را جذب کند، در حالی که ترامپ پیش‌تر وعده داده بود این برنامه را لغو کند، اما پس از پیروزی در انتخابات، به دفاع از آن پرداخت. ماسک با صراحت بیش از حد درباره منافع طبقاتی خود اذعان کرد که شرکت‌هایش به جذب نیروی کار از هند و سایر کشورها وابسته‌اند تا خلأهای مهارتی نیروی کار امریکا را پر کنند.

به این ترتیب، ماسک حقیقتی را آشکار کرد که پیام‌های ضد مهاجرتی ترامپ همواره سعی در پنهان کردن آن داشتند: این که سیستم مهاجرت برای تأمین نیازهای طبقه سرمایه‌دار طراحی شده است. اگر میزان مهاجرت بالاست، تا حدی به این دلیل است که سرمایه‌دارانی مانند ماسک به نیروی کار ارزان نیاز دارند. علاوه بر این، مهاجرت گسترده بازتابی از بی‌ثباتی است که جنگ‌های نظامی و اقتصادی امپریالیستی بر بسیاری از کشورها تحمیل کرده‌اند.

ماسک، ناآگاهانه، منطق پنهان پشت ترویج «پوپولیسم راست‌گرا» از سوی طبقه حاکم را فاش کرد: نیاز سرمایه‌داران به منحرف کردن خشم طبقه کارگر از شرایط زندگی رو به زوال، به سمت مسائلی که خطری برای نظام سرمایه‌داری

ایجاد نکند. مهاجرت، همواره موضوعی بوده که سرمایه‌داران از آن برای این هدف استفاده کرده‌اند. اما این ستراتیژی با ریسک‌هایی همراه است، زیرا سرمایه‌داران به نیروی کار مهاجر نیاز دارند و ریاکاری آن‌ها در مخالفت با مهاجران همواره در معرض افشا شدن است.

اگرچه نمایش‌های سیاسی کاریکاتورگونه ماسک گاهی مؤثر واقع می‌شوند، به‌ویژه با توجه به نفوذ گسترده‌اش در توئیتر، اما هنگامی که نقاب از چهره او کنار می‌رود، کارگران به سرعت متوجه می‌شوند که منافعشان با او همسو نیست.

در هفته‌های اخیر، ماسک به‌طور فعال در سیاست‌های بریتانیا مداخله کرده و از رسوایی‌های اخلاقی مربوط به سوءاستفاده از کودکان که در دهه گذشته افشاء شده‌اند، بهره‌برداری کرده است. پس از آسیب دیدن اعتبارش در جریان مناقشه ویزاهای H1B، او (یا تیم تبلیغاتی‌اش) ظاهراً احساس کرد که باید اعتبار خود را در میان جناح‌های راست‌گرای امریکا احیاء کند، و چه راهی بهتر از سوءاستفاده از یک رسوایی در کشوری دیگر؟

در این روند، او تبلیغات گسترده‌ای برای استیون یاکسلی لنون (ملقب به «تامی رابینسون»)، فعال راست‌گرای بریتانیایی و ابزار تبلیغاتی بورژوازی این کشور، فراهم کرد. ماسک، همانند رابینسون، ادعا کرد که دغدغه‌اش محافظت از دختران طبقه کارگر در برابر سوءاستفاده است. این «نگرانی» با تردید بسیاری از افرادی مواجه شد که می‌دانند ماسک با جفری اپستین، کودک‌آزار بدنام و عامل اطلاعاتی و همدستش گیسلین ماکسول، روابط نزدیکی داشته است.

روزنامه‌نگار مستقل امریکائی، ویتنی وب، روابط گسترده ماسک با شبکه اپستین را مستند کرده است، حتی پس از محکومیت اولیه اپستین به جرایم جنسی در سال ۲۰۰۸. به نظر می‌رسد که نگرانی ظاهری ماسک برای دختران طبقه کارگر که قربانی گروه‌های جنایتکار می‌شوند، مانع از آن نشده که او در محافل اپستین رفت‌وآمد داشته باشد.

واقعیت زندگی و کسب‌وکار ماسک، فاصله زیادی با تصویری دارد که او از خود به‌عنوان یک «یاغی» ارائه می‌دهد. او ثروتش را در دوران حباب دات‌کام به دست آورد و یکی از معدود کسانی بود که پس از ترکیدن آن حباب در سال ۲۰۰۰ همچنان پایبرجا ماندند. خلاف ادعای او مبنی بر این که فردی «خارج از سیستم» است، ماسک عمیقاً در ساختار حکومتی امریکا تنیده شده و از قراردادهای کلانی با شاخه‌های مختلف دولت ایالات متحده بهره می‌برد.

او نماینده‌ای از بورژوازی امریکاست که شاید از جلب توجه و ایفای نقش یک یاغی لذت ببرد، اما در عمل، وابسته به قدرت امپریالیستی امریکا برای حفظ ثروتش است.

ماسک یک دلال سرمایه است که ثروتش به قیمت جان صدها هزار اوکراینی و روسی به دست آمده است. موقعیت طبقاتی او توضیح می‌دهد که چرا او از حامیان سرسخت امپریالیسم امریکا در خاورمیانه است، به‌ویژه از جنگ‌های اسرائیل علیه غزه و لبنان که مورد حمایت ایالات متحده قرار دارند.

مانند هر عضو دیگر طبقه حاکم، آنچه درباره ماسک اهمیت دارد، نه اظهاراتش درباره خودش، نه جنجال‌های ساختگی پیرامون شخصیت و سیاست‌هایش، بلکه نحوه کسب ثروتش است.

[۱۰ فبروری ۲۰۲۵](#)